



# بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه

## بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه

العلامة المحقق الشيخ محمدتقی التستری

○ بخشعلی قنبری

و قلم برداشته است که سال مولای اوست و قریب به پنجاه سال در راه اشاعه و انتشار نهج البلاغه اش زحمت طاقت فرسا کشیده است. او رفت اما ۱۴ جلد قطور شرح نهج البلاغه اش چون آفتابی در هر زمانی خواهد درخشید و جویندگان راه را هدایت خواهد کرد.

زندگی نامه‌ی علامه شوشتری؛ شارحی بزرگ اما گمنام

شیخ محمدتقی شوشتری، فرزند حاج شیخ محمدکاظم، فرزند شیخ محمدعلی، فرزند حاج شیخ جعفر، فرزند شیخ حسین، فرزند ملاعلی، فرزند حسین شوشتری، از خاندانی فرهیخته، دانشمند و اهل علم و فضل است که همگی اعضایش از روحانیان برجسته خطه شوشتر و از مؤلفان بنام این سرزمین می‌باشند.

مرحوم علامه شوشتری در سال ۱۳۲۰ هـ. ق در نجف اشرف به دنیا آمد. پدر علامه، آیه‌الله شیخ محمد کاظم شوشتری و مادرش از خانواده‌ای کرمانی و متولد نجف اشرف بود. هنگامی که شیخ محمدکاظم، جهت تحصیل علم و کسب دانش از محضر علمای مشهور عصر خویش به نجف اشرف رفته بود، ازدواج کرد و در آنجا بود که شیخ محمدتقی گام به عرصه‌ی هستی نهاد و تا هفت سالگی نیز در همان جا اقامت داشت. در این مدت علامه شوشتری خواندن و نوشتن را فراگرفت و خط ترسل را به خوبی آموخت. پس از آن بود که به همراه مادر و دایه خود به شوشتر عزیمت کرد و در آنجا سکنی گزید.

در شوشتر مقدمات و سطح را نزد علمای بزرگی گذراند که اغلب از شاگردان پدرش بودند؛ کسانی چون مرحوم سیدحسین نوری، مرحوم سیدمحمدعلی امام و مرحوم سیدعلی اصغر حکیم. پس از طی مراحل در کسب علم و دانش، شاگرد آیه‌الله سیدمحمدتقی شیخ الاسلام و آیت‌الله مرحوم آقا سیدمهدی آل طیب و نیز مرحوم پدر بزرگوارش، بود و در سن شانزده یا هفده سالگی به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. تلاش و شیوه وی در فراگیری علم زبانه‌زد خاص و عام بود؛ او ابتدای هر کتابی را از استادان فرا می‌گرفت و بقیه اش را خود مطالعه می‌کرد و به خوبی

امسال سال مولا است و هر سال سال مولا است. چه سال و ماه و روز و شبی که ساحت‌های مختلف آدمی با ابر مردی محشور باشد و از این حشر و نشر لحظاتی مسحور آن سخنگوی ساحرگون؛ آن کردارگرایی تجربه‌ساز؛ آن اندیشه ساز ژرفکاو؛ آن باده‌ی عشق و عاطفه معنوی نواز؛ آن مجاهد میدان‌های درون و بیرون تکتاز، آن مرید و سرباز پیامبر بزرگ در مصاف همه جباران گردن فراز، آن بخشنده‌ی دو سرای به اهل دنیا و عقبی؛ آن جوینده همیشگی خدا؛ آن برافرازنده‌ی پرچم لا بربلندای آسمان و مناره‌های ثری؛ آن شاهپیر آسمان رفعت؛ آن همدم محرومان بی‌منزلت و آن... باشد.

و چه زیباست در دل شب به یاد مولا از خادمان علی گفتن و باقلم، سنگ‌های صمّا را سفتن و بر پهنای دشت‌های وسیع و وادی‌های حیرت و معرفت علی و علی‌شناسان رفتن و با آنان همساز و همراز شدن!

و چه شیرین است لحظاتی که در آنها از نهج البلاغه سخن بشنویم و سخن بگوئیم؛ از شارحان و از مادحان او که همه زیبایی‌های داده شده به بشر را یکجا به انسان زیبایی دوست متجلی می‌سازد، نوشتن!

از این دلشدگان پیری در گوشه‌ای از میهن اسلامی؛ شوشتر؛ است که عمری به یاد و عشق علی بزرگ سوخت، روشنایی گرفت، نوربخشید و بی‌منت و بی‌رشوت چونان اسلاف خود هرچه در طبق داشت با اخلاص تمام نثار آن بزرگ و هواخواهانش کرد و چه غریبانه رفت و بخشایشگرانه هرچه داشت به راه علی نثار کرد.

نگارنده در اسفندماه ۱۳۷۳ توفیق شرفیابی حضرت علامه به کف آورد و بر دست‌هایی بوسه زد که به یقین دستهای مولا علی علیه‌السلام را خواهد فشرد و گرمای وجودش را احساس خواهد کرد. اما افسوس که آن زمان شناخت کافی از وی نداشت و ثلمه فقدانش را دیر درک کرد. اما اکنون بر خود می‌بالد که برای بزرگداشت نام و یادش در سالی قدم

○ بهج الصباغه فی شرح  
نهج البلاغه  
○ العلامة المحقق الشيخ  
محمدتقی التستری  
○ دارامیر کبیر للنشر  
○ تهران ۱۳۷۶، ۱۴ مجلد



فرامی گرفت.

حضرت علامه شوشتری در سال ۱۳۱۴ ه. ش همزمان با زمامداری رضاخان و طرح مسأله‌ی کشف حجاب در ایران اجباراً شوشتر را ترک و راهی عتبات عالیات شد و در آنجا رحل اقامت افکند. در همان جا بود که به حلقه‌ی درس شیخ آقا بزرگ تهرانی پیوست و از وی اجازه‌ی روایت دریافت کرد و همزمان با آن برای تکمیل دانش دینی خود در حوزه‌های علمی شهر مقدس نجف به یادگیری مشغول شد و از اساتید بزرگوار حوزه دانش‌های فراوانی اندوخت. مدت اقامت علامه در عتبات پنج الی شش سال به طول انجامید و در این زمان کتاب ارزشمند قاموس الرجال را تألیف کرد. پس از عزل رضا شاه، در سال ۱۳۲۱ ه. ش. به شوشتر بازگشت و به انجام وظایف دینی خود مشغول شد. او علاوه بر تدریس علوم اسلامی و ارشاد مردم، به تحقیقات خود نیز ادامه داد و تألیفات ارزنده‌ای به جهان اسلام تقدیم کرد که به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

شهرت علامه به حدی بود که استادش شیخ آقا بزرگ تهرانی دو جلد کتاب مستطاب الذریعه شرح حال او را آورده و دوازده عنوان از آثارش را یاد نموده است.<sup>۱</sup>

#### سیره علمی و عملی حضرت علامه

مرحوم علامه شوشتری از نظر علمی در دوره حاضر از نوادر و نوابغ محسوب می‌شود. وی در چند جنبه و ویژگی‌های خاص داشته است؛ اولاً از نظر پژوهشگری به واقع از ژرفکاوان حوزه اندیشه و علم بوده است. استاد علامه شوشتری چنان به منابع اصلی و اصیل اسلامی تسلط داشته است که تمام مطالب خود را مستند به آنها کرده است. اندک تورق در آثار وی این ادعا را صددرد تأیید می‌کند. اما بجاست نکته‌ای را از مرحوم دکتر شریعتی درباره پژوهشگری علامه بیاوریم. مرحوم دکتر شریعتی درباره فقراتی از دعای ندبه سؤالی به ذهنش می‌رسد و با توجه به رشته‌ی درسی‌اش؛ تاریخ ادیان شباهت‌هایی میان این فقرات دعای ندبه و مدعیات فرقه کیسانیه پیدا می‌کند و برایش این سؤال ایجاد می‌شود که شاید ماخذ اصلی این فقرات دعای کمیل از این فرقه اخذ شده باشد که حضرت علامه با کمال احترام به پرسش مرحوم دکتر شریعتی جوابی عالمانه می‌دهد و با استناد به آثار و منابع دست اولی چون الاکمال شیخ صدوق، الغیبه شیخ طوسی و الغیبه نعمانی و برخی از آثار مکتوب سیدبن طاووس به تحقیق آن پرداخته و برای دکتر شریعتی ارسال می‌کند و مرحوم شریعتی نیز ضمن پذیرش جواب عالمانه حضرت علامه از وی به کرات تقدیر و تشکر می‌کند.<sup>۲</sup> وی در یکی از آثارش در گرامی‌داشت این بزرگمرد می‌نویسد: «... و در همین حال کوهی از علم و تحقیق و در کنارش انبوهی از کار، در گوشه دورافتاده شوشتر نشسته و نامش را هم کسی نشنیده است!»<sup>۳</sup> و در جای دیگر او را از دانشمندان گمنام در گوشه‌ای از شهری دورافتاده معرفی می‌کند.<sup>۴</sup>

جنبه دیگر اهمیت مرحوم علامه شوشتری در آن است که وی علاوه بر اشتغالات پژوهشگرانه از ارشاد مردم و تربیت شاگردان غافل نبوده است و منزل محقر وی پذیرای شیفتگان هدایت و تشنگان علم و دانش بوده است. جنبه سوم زهد و پارسایی حضرت علامه است که تا آخر عمر خویش آن را حفظ کرد و قدمی از زیست پارسامنشانه فاصله نگرفت.<sup>۵</sup>

البته چنین افراد دانشمندی در هر جا باشند به سان بوستانی از گلهای متنوع‌اند که بی‌محایا افراد زیادی را از دور و نزدیک به دور خود جذب می‌کنند و از این جهت قدرت جاذبه علامه زبانزد خاص و عام بوده است.

به هرحال حضرت علامه در ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۷۴ دارفانی را وداع گفت، اما آثار و خدمات ارزشمندی برای دینداران به یادگار نهاد.

#### یادی از آثار علامه

واقعیت آن است که در میان خواص و اهل علم و تحقیق حضرت علامه ناشناخته باقی مانده است و از این رو آثار وی نیز در پرده غفلت مدتی طولانی را سپری کرده است. در اینجا جهت یادآوری به ذکر پاره‌ای از آثار وی می‌پردازیم.

۱- قاموس الرجال فی تحقیق رواة الشیعه و حدیثهم؛ این اثر در سال ۱۳۹۰ ه. ق. در یازده جلد در قم و تهران چاپ و منتشر شده است.

۲- بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه که به تفصیل به معرفی آن خواهیم پرداخت.

۳- الاربعون حدیثاً (چهل حدیث) در ۱۶۹ صفحه قطع وزیری.

۴- آیات بینات فی حقیقه بعض المنامات (نشانه‌های روشن در حقیقت برخی خواب‌ها) در ۲۰۸ صفحه قطع وزیری.

۵- قضاء امیرالمومنین علی ابن ابی طالب (ع) در ۳۸۰ صفحه قطع وزیری.

۶- الاوائل، در ۳۰۰ صفحه.

۷- الاخبار الاخیة، در سه جلد.

۸- النعجه فی شرح اللمعه؛ در ده جلد.

۹- تفسیر قرآن (عربی)

تمام آثار فوق به زبان عربی است و آثار فارسی علامه عبارتند از:

۱۰- مقدمه‌ی توحید مفضل؛ در ۲۵۵ صفحه، قطع رقی.

۱۱- نوادر الاخبار و جواهر الآثار؛ در ۱۹۴ صفحه قطع جیبی.

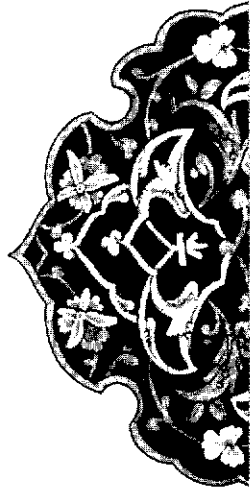
علاوه بر آثار فوق رساله‌ها و مقالات بسیاری از علامه چاپ شده و نشده موجود است که از ذکر اسامی آنها خودداری می‌کنیم.

#### بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه

بی‌تردید بهج الصباغه از شرح‌های کم‌نظیر و از جهت موضوعی بودن بی‌نظیر نهج البلاغه است و در میان آثار مرحوم علامه شوشتری از جهتی مقام اول و از جهت دیگر مقام دوم را داراست. در اهمیت این اثر همین بس که یکی از مشغله‌های ذهنی و عملی حیات علامه تألیف همین کتاب بوده است. به علاوه شارحان و نهج البلاغه‌شناسان بزرگ معاصر؛ کسانی که عمری در راه معرفی و دستیابی به عمق مفاهیم این اثر شگرف وقت صرف کرده‌اند همه به اتفاق بر اهمیت این شرح سترگ اذعان کرده‌اند.<sup>۶</sup>

چاپ نخست بهج الصباغه توسط مکتبه‌الصدر، تهران در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ ه. ق. به انجام رسید، ولی کیفیت چاپ کتاب، نامناسب بود و از جهت ویرایش و تصحیح نیز از وضعیت مطلوبی برخوردار نبود. چاپ جدید کتاب را انتشارات امیرکبیر در ۱۴ جلد در قطع وزیری به انجام رسانده است که اختلاف زیادی با چاپ قبلی دارد. در این چاپ که نخستین چاپ به شکل نوین است اصلاحات زیادی به عمل آمده ولی همچنان نیازمند تنقیح و تصحیح دیگری است. در





چاپ حاضر کاستی‌هایی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱) بسیاری از مجلدات کتاب با نسخه دست‌نویس مرحوم مؤلف مقابله نشده است.

۲) بسیاری از ابیات و روایات اعراب‌گذاری نشده و ضبط بسیاری از کلمات مشخص نگاشته که کاری بس لازم و ضروری است.

۳) بسیاری از عبارات و لغات مشکل بدون هیچ توضیحی آمده است و جا دارد که در چاپ‌های بعدی به این مهم، عنایت شود.

۴) کتاب، فاقد فهرست‌های لازم است و این امر با توجه به مطالب متنوع کتاب، دستیابی به مطالب آن را به غایت دشوار کرده است.<sup>۷</sup> این

دشواری وقتی مضاعف می‌شود که اثر به روش موضوعی تألیف شده و حجم مطالب هم به غایت گسترده است از این جهت بسیار شایسته خواهد بود که در چاپ‌های بعدی علاوه بر تصحیح و مقابله تمام

مجلدات با نسخه دست‌نویس اقدامات تکمیلی که تصحیح‌کنندگان با روش‌های نوین اعمال می‌کنند، صورت گیرد. این امر به حدی ضروری است که هدف نویسنده را که بهره‌مند ساختن طالبان علم و دانش از

محتویات اثر است برآورده می‌سازد و بدون آن قطعاً بخش عظیمی از طالبان علم از بهره‌گیری از این محروم خواهند ماند.

#### حوزه‌های کاری علامه در این اثر

حضرت علامه شوشتری (ره) در این اثر شگرف بنا به نوشته خود اقدامات زیر را انجام داده است:

۱) تصحیح متن نهج‌البلاغه. محقق شوشتری (ره) متن نهج‌البلاغه تصحیح شده محمد عبده را که با تعلیقات محمد مجیب‌الدین عبدالحمید

در مصر به چاپ رسیده است و خالی از غلط نیست مینا قرار داده است. علامه شوشتری با ملاحظه کاستی‌های آن، اقدام به تطبیق آن با

نسخه‌های ابن ابی‌الحدید و ابن میثم و نسخه خطی‌ای که (چاپ ۱۰۷۵ق) خود در اختیار داشته، نموده<sup>۸</sup> و متن منقحی را تدوین کرده و شرح خود را بر آن مبتنی ساخته است و اشکالات و کاستی‌های نسخه‌های مزبور را

هم بررسی کرده و نمونه‌هایی را ارایه کرده است.<sup>۹</sup>

۲) مستند کردن مطالب نهج‌البلاغه با منابع دست اول. مؤلف محترم با تحقیق طاقت‌فرسا منابع اصلی سخنان نهج‌البلاغه را از آثار

مقدم یافته و کاستی‌ها و فزونی‌های آن را نشان داده است.<sup>۱۰</sup>

۳) شرح عالمانه متن نهج‌البلاغه برحسب موضوعات ۶۰ گانه‌ای که خود انتخاب کرده است. البته این موضوعات عناوین کلی هستند

که در ذیل خود دهها موضوع را قرار داده‌اند که علامه به همه آنها پرداخته است. به علاوه در فصل آخر نیز به موضوعات پراکنده پرداخته

و ۱۰۴ عنوان دیگر را نیز شرح کرده است.

از عناوین موضوعات می‌توان به توحید، آفرینش آسمان و زمین، امامت عام و خاص، دنیا، خلفاء، قضا و قدر، جنگ، معاشرت و... اشاره کرد.<sup>۱۱</sup>

#### نوآوری‌های بهج‌الصباغه

مرحوم علامه با اشراف فوق‌العاده‌ای که در تسلط بر متون اسلامی داشته است، بدایعی در شرح خود آورده است که درجای خود قابل تأمل

و اهمیت است. یکی از این ابداعات آن است که علامه توانست با بذل جهد خویش شرحی جامع بر نهج‌البلاغه بنویسد زیرا اغلب شرح‌های

موجود از جهتی کامل ولی از جهت دیگر ناقص بوده است. مرحوم علامه خود در این زمینه چنین نگاشته است: «... از همه

شرح‌ها مفصل‌تر و متین‌تر شرح ابن ابی‌الحدید، پس از آن شرح ابن میثم و سرانجام شرح خوبی است، لیکن هیچ یک از آنها جامع نیست...<sup>۱۲</sup> بدین جهت تصمیم گرفتم شرحی جامع بنویسم که مطالب

تاریخی و ادبی و اخبار قوی در آن آمده باشد، و از آثاری که به اندازه‌ی نیاز حجت باشد و درج‌های مناسب، به قدر توان، مدارک عنوان‌ها را

بیاورم.»<sup>۱۳</sup>

در توضیح مدعیات علامه باید گفت که اثر حاضر از این مزیت به طور یقین برخوردار است و علامه خود را به رعایت آن متعهد دانسته و

به آن پای‌بند بوده است. در شرح موضوعات تا حد امکان از حداعتدال و نیاز خواننده خارج نشده است.

نکته‌ی دیگری که در نوآوری‌های علامه مشهود است روش تفسیر اوست چه، اغلب شرح‌های نهج‌البلاغه (و شاید همه آنها) شرح

ترتیبی است اما این اثر در این نوع و روش قطعاً بی‌نظیر است زیرا شرح‌های پیشین از دو حال خارج نبوده‌اند؛ یا کاملاً ترتیبی بوده‌اند و یا

در حجم عظیمی موضوعات را مورد تفسیر قرار نداده‌اند در حالی که بهج‌الصباغه حاوی این مزیت است.

در اینجا بد نیست اشاره کنیم تفسیر متون به سه صورت شکل می‌گیرد؛ تفسیر ترتیبی، تفسیر موضوعی و تفسیر ترتیبی با محوریت

موضوعات. در روش اخیر به ترتیب خطبه‌ها تفسیر صورت می‌گیرد اما وقتی موضوعی مورد بحث قرار می‌گیرد با بهره‌گیری از تمام مطالب

متن مورد تفسیر قرار می‌گیرد و به متن خطبه یا... ویژه اکتفا نمی‌شود.

#### هدف، چارچوب و مزایای کتاب

هدف اصلی تمام شارحان متون فهم مراد صاحب متن است اما این هدف به روش‌های مختلف می‌تواند به دست آید و البته نسبت به

همان روش‌ها نیز متفاوت خواهد بود. در دیدگاه علامه شوشتری روش موضوعی شارح و خواننده را به هدف اصلی صاحب متن نزدیک‌تر

می‌سازد. این روش هم وقتی قرین موفقیت می‌شود که جامع‌نگری در آن لحاظ شود. از این رو علامه احساس می‌کرد جای چنین شرحی در

میان تفاسیر نهج‌البلاغه خالی است. لذا اقدام به پدید آوردن چنین اثری اهتمام ورزید.

مزیت‌های اصلی شرح حاضر را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱) اظهارنظر در هر موضوع. علامه شوشتری در هر موضوعی که وارد می‌شود پس از بررسی و تحقیق و عرضه‌ی آرای صاحب‌نظران به

نقد آنها پرداخته، نظر خود را بیان می‌کند. هم چنان که در شرح خطبه ششقیه و داستان خلافت نظرات مختلف را ذکر کرده و به نقد آنها

پرداخته و نهایتاً نظر خود را ارایه کرده است.<sup>۱۴</sup>

جالب اینجاست که حضرت علامه شوشتری حتی درباره نحوه گردآوری و اولین گردآورنده‌ی سخنان امام علی (ع) اظهار نظر کرده و

حارث اعور را نخستین مصنف و جامع نهج‌البلاغه دانسته است.<sup>۱۵</sup>

۲) در پیش گرفتن نقد بی‌طرفانه. واقعیت آن است که علامه در مباحث علمی تابع روش علمی و اسناد و مدارک است و تا جایی که

توانسته عقاید خود را در اظهارات علمی دخالت نداده است و به هیچ‌وجه از آن جهت که شیعه است نظر علمای شیعه را بر دیدگاه عالمان سنی ترجیح نداده است، بلکه مناظ و معیار و ملاک وی سخنان آنان و حظ و برخوردارگی آنها از علم و مستند بودن است. به عنوان مثال وقتی در



کتاب

مقدمه کتاب به بررسی شرح‌های نهج البلاغه می‌پردازد از حسن و عیب آنها غفلت نمی‌کند و در این باب بی‌پرده اظهار نظر علمی می‌کند. علامه شوشتری مبسوط‌ترین شرح نهج البلاغه را از آن ابن‌ابی‌الحدید می‌داند و آن را از سخنان نیکو بی‌بهره نمی‌داند.<sup>۱۶</sup> اما در عین حال چند اشکال اساسی به آن وارد می‌داند؛ یکی اینکه در مواردی که این شرح به تاریخ مربوط می‌شود به حدی افراط می‌کند که اگر جدای از نهج البلاغه تألیف شود تاریخ مستقلی می‌شود.<sup>۱۷</sup> چنان که استاد محمود مهدوی دامغانی این کار را انجام داده و با عنوان جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید که در مجلدات مستقل به فارسی ترجمه و چاپ کرده است.

اشکال دیگر شرح ابن‌ابی‌الحدید آن است که وی در مواردی که مدعی نکته‌های ادبی است هیچ اشاره‌ای به ادبیات نکرده و در مواردی که اصلاً ربطی نداشته به شرح و بسط ادبیات پرداخته است که تمام این امور شرح وی را در افراط و تفریط در نوسان نگه داشته است.<sup>۱۸</sup> اشکال دیگر آن است که او مطلبی که مناسب است در ذیل خطبه یا متنی از نهج البلاغه نقل کند مورد غفلت قرار داده آن را در جایی ذکر می‌کند که مناسب نداد.

اشکال دیگر به نسبت‌های غیرواقعی مربوط است که ابن‌ابی‌الحدید بدون تحقیق چیزی را به کسی نسبت داده است.<sup>۱۹</sup> مثلاً عبارت «هذا الخطب الشحشح» را به صعصعة بن صوحان نسبت داده در حالی که این نسبت درست نیست.<sup>۲۰</sup>

مرحوم شوشتری شرح ابن‌میثم را نیز دارای اشکالات زیادی می‌داند و درباره‌ی آن می‌نویسد: مذاق ابن‌میثم فلسفه است ولی تاویلات باطل زیادی را در شرح خود آورده که صحیح نیستند و در توضیح مطالب علل و دلایل بی‌مایه‌ای ذکر کرده است که دردی را دوا نمی‌کند چنانکه در شرح عبارت «وانالکم وزیراً خیر لکم منی امیراً» مرتکب شده است.<sup>۲۱</sup>

بعلاوه چون ابن‌میثم به تاریخ تسلطی نداشته در این زمینه هم خطاهای زیادی مرتکب شده است، چنانکه در شرح وقایع خ ۴۷ این امر آشکار است.<sup>۲۲</sup>

#### نکاتی پیرامون بهج الصباغه

اگرچه مرحوم شوشتری زحمت طاقت‌فرسایی متحمل شده و به جرات می‌توانیم بگوییم تمام کتاب‌های مربوط به شرح نهج البلاغه را مورد بررسی قرار داده است، اما هیچ وقت نمی‌توانیم بگوییم آخرین کاری است که صورت گرفته است. از این رو ذکر چند نکته قابل تأمل ضروری است.

(۱) بهج الصباغه با وجود محاسن بسیار زیادی که دارد و مؤلف محترم آن مدعی ارابه‌ی شرحی جامع بر نهج البلاغه است و تا حدی هم در این ادعا توفیق همراه اوست، اما اگر دقیق‌تر بنگریم جنبه‌های نقلی و تاریخی آن بر استفهام متن نهج البلاغه از جوانب مختلف غلبه دارد. مضافاً بر این، بخش عمده این شرح به آیات و روایات اختصاص دارد، در حالی که برای تکمیل آنها مؤلف می‌توانست از دیدگاه‌های عقلی - فلسفی و دین‌شناختی نیز بهره‌جوید. البته ذکر این نکته ضروری است که مؤلف محترم در تفسیر کلام به کلام مولا موفق بوده است.

(۲) با وجود آنکه شرح حاضر برای خواص است ولی از زمان حاضر چندان خبری در این مجموعه نیست در حالی که یکی از دغدغه‌های

اصلی شارحان متون مقدس دینی باید پرده‌برداری از ارتباط دقیق و انطباق وسیع آنها با اعصار مختلف بویژه دوره‌ی معاصر باشد.

(۳) غفلت از موضوعات جدی و اساسی که در نهج البلاغه به آنها پرداخته شده از دیگر کاستی‌های این اثر به شمار می‌آید. تقریباً بلکه تحقیقاً در هیچ یک از موضوعات ۶۰ گانه این شرح نشانی از جامعه، سیاست، تجربه دینی، نگرش انسانی نهج البلاغه به همه انسان‌ها (که در مهم‌ترین بخش‌های نهج البلاغه موج می‌زند) و موضوعاتی که به مشکلات و سوالات فکری نسل حاضر پاسخ گوید یافت نمی‌شود. البته در باب مسایل سیاسی بحث امامت آنها تنها به شکل کلامی طرح شده است که برای جهان امروز کافی نیست، بلکه استمرار امامت در اعصاری که امام معصوم حضور ظاهری ندارد چگونه اعمال خواهد شد پاسخی در این شرح ندارد. این در حالی است که در فلسفه سیاسی امام علی علیه‌السلام به صراحت راهکارهایی نشان داده شده است.

#### پانویس‌ها:

- ۱- الذریعه، ج ۱، ص ۲۶۵
- ۲- مجله‌ی کیهان فرهنگی، سال دوم، فروردین ۱۳۶۴، ص ۷
- ۳- انسان و اسلام، ص ۸۰
- ۴- مکتب تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۱
- ۵- نگارنده خود از نزدیک منزل علامه و خود ایشان را دیده است.
- ۶- جهت اطلاع، نک: دایرةالمعارف تشیع ج ۳، ص ۵۲۴، بخش ضمایم نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، مجله میراث جاویدان، ش ۲۵ - ۲۶، کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره ۱ و آفتاب شوشتر.
- ۷- باقر قربانی‌زرین، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۲۵-۲۶، ص ۱۱۷
- ۸- مقدمه بهج الصباغه، ج ۱، ص ۳۱
- ۹- همان
- ۱۰- برای نمونه، نک، همان صفحات ۲۰-۲۲
- ۱۱- نک، همان، صفحات ۲۷-۳۱
- ۱۲- بهج الصباغه، ج ۱، مقدمه‌المؤلف، صص ۲۲-۲۳.
- ۱۳- همان، ص ۲۶
- ۱۴- جهت آگاهی نک، بهج الصباغه، ج ۵، صفحات ۹ به بعد
- ۱۵- همان، ج ۱، ص ۲۳
- ۱۶- مقدمه‌المؤلف، بهج الصباغه، ج ۱، ص ۲۵
- ۱۷- همان، ص ۲۴
- ۱۸- همان،
- ۱۹- همان، ص ۲۵
- ۲۰- مقدمه‌المؤلف، همان، ص ۲۵
- ۲۱- نگارنده قریب به ۱۵ سال است که در محافل و مجالس گوناگون درصدد رفع این کاستی برآمده است که محصول این پژوهش‌ها ان‌شاءالله در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.

